من المضروب فيه وما حصل فاطرح منه القياس تسعة تسعة فما بقي فاكتبه
في الحاشية ثم اطرح من المبلغ المذكور تسعة تسعة فما بقي منه ان كان
متساويا لما بقي صحيح والا فقد بر وان كان المضروب في المضروب فيه
اقل من التسعة فاضرب المضروب في المضروب فيه فما حصل فاطرح منه
تسعة تسعة فما بقي فاكتبها في الحاشية ثم اطرح من المبلغ تسعة تسعة
فما بقي ان كان مثل ما في الحاشية فصحيح والا فقد بر والله اعلم تمام

بسم الله الرحمن الرحيم

بدانکه انواع حساب چهار است احاد و عشرات و مات و الوف
بعد ازین مکرر شود چون عشرات الوف و مات الوف و الوف
الوف احاد یکی تا نه باشد و عشرات از ده تا نود و مات
از صد تا نه صد و الوف از هزار تا نه هزار بعد ازان از عشرات
الوف تا نود هزار بعد ازان مات الوف تا نه صد هزار

بعد از آن الوف الوف و بالای چهار مرتبه حساب در پنج فصل شرح
دهیم الفصل الاول فی ضرب الاحاد فی الاحاد و قاعده درین باب
آنست که آحاد را با احاد جمع کنی بعد از آن که بنگری که مجموع
چند است آنچه از ده بالا باشد هر یکی را ده گیر پس از آن نظر کن
که از هر طرف تا ده چند است می باید که آنرا در دیگر ضرب کنی
و آنچه بالای ده گرفته باشی ضم کنی تا حساب درست بیرون آید
مثاله چنانچه اگر کسی پرسد که هفت در هفت چند است جواب
بگو چهل و نه است هفت را با هفت جمع کنی تا چهارده شود بالای
ده چهار هر یکی را ده گیر چهل شود و از هر دو طرف تا ده سه
است پس باید که سه در سه ضرب کنی نه شود مجموع چهل و نه شود
همچنین باقی بر این قیاس چنانچه شاعر گفته است قطعه احاد با
احاد فرا آر مدام ~~[illegible]~~ ده بیفکن زائده را ده بکن
نام وز هر طرفی نگر تا ده چند است در یکدگرش ضرب کن که تمام

العقد الی

الفصل الثاني في ضرب العشرات في العشرات ضابطه درین باب
آنست که عشرات را با احاد بری بعد ازان احاد را در احاد
ضرب کنی از انچه حاصل شود هر یکی را صد گیری مثاله اگر کسی گوید
که بیست در بیست چند اند جوابه انکه بیست را دو گیر و دو را
دو ضرب کن تا چهار شود هر یکی را صد گیر حاصل چهار صد شد
همچنین اگر پرسند که بیست در سی چند باشد جواب آنست
که بیست را دو گیری و سی را ۳ و دو را در ۳ ضرب کنی
شش شود هر یکی را صد گیر شش صد شود و قس علی هذا
الفصل الثالث في ضرب الاحاد في العشرات اصل درین باب آنست
که عشرات را با احاد بری بعد ازان احاد را در احاد ضرب کنی
هر ده صد گیری و هر یک ده مبلغ حساب راست بیرون آید
مثاله اگر پرسند پنج در بیست چند باشد جواب انکه بیست را با
احاد بری دو باشد و پنج در دو ضرب کنی ده باشد ده را

صد گیر پس پنج در بیست صد باشد همچنین اگر گویند که پنج در
سی چند است جواب سی را سه گیر و پنج را در سه ضرب
کن پانزده شود ده را صد گیر و پنج را پنجاه پس پنج در
سی صد و پنجاه باشد **الفصل الرابع** فی ضرب الاحاد فی المات
فی المات اصل درین باب آنست که مات را با احاد برابر (?) و
احاد مضروب را در احاد مضروب فیه ضرب کنند و حاصل
الضرب هر یکی ده هزار گیر **مثاله** اگر ترا پرسند که صد در صد چند است
جواب از هر طرف صد یک گیر و در یک ضرب کن هم یکی
باشد آنرا ده هزار گیر پس صد در صد ده هزار باشد
و نیز اگر ترا پرسند که دویست در دویست چند باشد جواب
هر صد یکی گیر از مضروب دو حاصل آید و از مضروب فیه نیز (?)
دو دو را در دو ضرب کن چهار شود هر یکی ده هزار گیر چهل
هزار باشد باقی برین قیاس باید کرد **الفصل الخامس** فی ضرب العشرات (?)

فی المات

نیز الماآت طریقه درین باب آنست که عشرات و مآت را باحاد برند
بعد ازان احاد را در احاد ضرب کنی آنچه حاصل آید هر یکی را
هزار کیری مثاله اکر ترا پرسند که بیست در دو ویست چند باشد
جواب بکو بیست را دو کیری و دو ویست نیز دو کیری و دو
در دو ضرب کنی چهار باشد هر یکی را هزار کیر چهار هزار
باشد همچنین سه در سه صد چند باشد جواب سه را سه
کیر و سه صد نیز سه پس سه را در سه ضرب کنی نه شود
هر یکی را هزار کیر نه هزار باشد و هی علی البدیة والله اعلم
بالصواب تمام شد



غزل

بنم اول ایمیزه رسم وفادر بیچه بودم
نجه ازین بی موجب جفاین بجفاکاری بیچه بودم

ره محبت تکمداشتی عجب ترکم بنومشی
ان جهانکار شده ابن سستلکاری بیچه بودم

کر بنوداین نخ ابهک ل ازری قو
یا محبت با عاشقان ابلک بوازری بیچه بودم

بی خموخاندی هلالی ورانیزی محبت
ترک اولمیلکرن بن بن بیچه بودم



علاج امساک

زعفران ۱ ماشه جوزبویه ۱ ماشه عاقرقرحا ۱ ماشه

دارچینی ۱ ماشه قرنفل ۱ ماشه افیون ۱ ماشه

در شهد آمیخته حب‌ها قدر نخود ساخته یک حب وقت جماع بخورد

علاج رگ کج

بیخ عاقرقرحا و پیاز دشتی باریک ساییده و در روغن زنبق بجوشاند

برابر آن روغن در قضیب بمالد

و ماء مرد و دا ملا هوا باشد

علاج رگ سست

پارچهٔ بافته باریک در شیر زهوک هفت بار ترکرده هفت بار خشک کند

و در دو توله روغن کنجد با آتش جوش داده چنین سوخته شود

روغن در شیشه انداخته نگهدارد و بر قضیب بمالد

ایضا لب اچکنده مکس دو سه دانه در دو سه قطره شیر زهوک

و دو سه قطره شیر مدار انداخته بیخته سازد و بر قضیب جاری

باشی بند دهد

بیت

شنو پند من

و از نخاطر نه بچار

یه و نیا جیجو جیجو

سی خال سی نیست

ا

جیجو جیجو

سبک نه

و مند